

مروری بر نظام آموزشی کانادا

نرگس نفر

درآمد

این مقاله حاصل تحقیقی است پیرامون نظام آموزش و پرورش کانادا و چالش‌هایی که در حال حاضر در زمینه‌ی راهنمایی و مشاوره‌ی شغلی و حرفه‌ای فراروی دانش‌آموزان و مشاوران این کشور قرار دارد و بعضی طرح‌های جدیدی که بر اساس فناوری نوین برای مقابله با این چالش‌ها به صورت آزمایشی در دست اجرا هستند. این مقاله با استفاده از اطلاعات به دست آمده از منابع سایت‌های اینترنتی تدوین شده و بدیهی است، ارائه‌ی تصویری جامع از موضوعات گسترده‌ی فوق، در آن گستره‌ی جغرافیایی و با آن لایه‌های متکثر اجتماعی و نژادی، مستلزم مجال و میدانی به مراتب فراخ‌تر از امکانات یک مقاله است. بنابراین، مقاله‌ی حاضر را باید به مثابه پنجره‌ای به عالم موضوعات فوق تلقی کرد.

جستاری در ماهیت نظام آموزشی کانادا

در کانادا، بسیاری آموزش را موجد پویایی اجتماعی قلمداد می‌کنند و از آن‌جا که آموزش اجباری شده است، می‌پندارند، آموزش بر پویایی کانادایی‌ها افزوده است. اما این آموزش بدون نقص نیست. تصور می‌شود، آموزش شانس بیشتری را برای بالندگی اجتماعی به کودکان می‌دهد، در حالی که عواملی مثل جنسیت، نژاد و طبقه، از پدیده‌هایی هستند که ممکن است مانع پویایی شوند و «فرصت‌های پیش‌آمده در زندگی» فرد را تحت تأثیر قرار دهند. اما آموزش عالی دیگر گذرنامه‌ای برای پویایی اجتماعی نیست و پویایی را نمی‌توان از طریق آن به دست آورد. هنگامی افراد شانس بهتری در زندگی خواهند داشت که فرصت و منابع بیشتری در اختیارشان گذاشته شود. نظام آموزشی، فرصت‌های بعضی از بخش‌های جامعه را برای دسترسی به مناصب پردرآمدتر و معتبرتر که در اختیار بخش‌های مرفه‌تر جامعه است، از بین می‌برد.

اگرچه آموزش یا تحصیلات برای بعضی‌ها پویایی به ارمغان می‌آورد، اما غالباً زنان، به خاطر تفاوت جنسیتی، فرصت‌های کمتری برای پویایی نصیبشان می‌شود. تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد، زنان در مقایسه با مردان هم سطح خود از نظر تحصیلات، برای انجام همان کاری که مردان انجام می‌دهند، حقوق کمتری دریافت می‌کنند. همچنین، زنان فقط می‌توانند به مشاغلی دسترسی داشته باشند که





دوره‌ی متوسطه یا دبیرستان

آموزش متوسطه یا دبیرستان از کلاس ۹ یا ۱۰ شروع می‌شود تا کلاس ۱۱، ۱۲ یا ۱۳ ادامه می‌یابد. در حال حاضر، فقط استان «اونتاریو» گذراندن کلاس ۱۳ را برای گرفتن دیپلم دبیرستان ضروری می‌داند.

دبیرستان‌ها مختارند، از تقویم تحصیلی سیتامبر تا ژوئن و یا از نظام ترمی تبعیت کنند که در صورت اتخاذ نظام ترمی، ترم اول از سپتامبر تا پایان ژانویه به طول می‌انجامد و ترم دوم، از فوریه تا پایان ژوئن ادامه پیدا می‌کند.

دانش‌آموزان فقط در صورتی می‌توانند تقاضای ورود به دانشگاه را داشته باشند که تحصیلات دوره‌ی متوسطه را سپری کرده باشند. دانش‌آموزانی که فاقد اجازه ثبت‌نام در دانشگاه باشند، فقط می‌توانند برای دوره‌ی کالج درخواست بدهند.

دانش‌آموزان خارجی می‌توانند در دبیرستان‌های دولتی یا خصوصی تحصیل کنند.

دوره‌ی فوق دبیرستان (آموزش عالی)

کلیه‌ی مؤسسات آموزشی دوره‌ی فوق دبیرستان یا آموزش عالی در کانادا، دولتی هستند. تحصیلات این دوره، یک تا سه سال برای کالج، و سه تا چهار سال برای دانشگاه طول می‌کشد. بعضی از کالج‌ها، دوره‌ای برای انتقال به دانشگاه (ناپوسته) ارائه می‌کنند که به دانش‌آموز امکان می‌دهد، برای گرفتن مدرک دانشگاهی دروسی را بگذرانند.

دانشگاه‌های کانادا رشته‌های گوناگونی را در سطح لیسانس، فوق لیسانس و دکتری ارائه می‌دهند. مؤسسات فوق دبیرستان یا آموزش عالی، در سال تا چهار ترم برگزار می‌کنند. این ترم‌ها عبارت‌اند از: سپتامبر تا دسامبر برای ترم پاییزه، ژانویه تا آوریل برای ترم زمستانی، مه تا ژوئن برای ترم بهاره، و جولای تا اوت برای ترم تابستانی. یا توجه به برنامه‌ی آموزشی که ارائه می‌شود، بعضی مؤسسات آموزشی ممکن است در سال فقط دو تا سه ترم داشته باشند.

چالش‌ها و طرح‌های راهتمایی و مشاوره‌ی شغلی و حرفه‌ای

دانش‌آموزان دبیرستانی و طبعاً مشاوران شغلی در کانادا، با چالش‌های عظیمی در زمینه‌ی مشاغل مواجه هستند که کارشناسان و اولیای امور را به تحقیق، ابداع و اجرای راهکارها و طرح‌های پیشرفته و متناسب برای مقابله با آن‌ها واداشته است. البته در خصوص چالش‌های راهتمایی و مشاوره‌ی شغلی و حرفه‌ای در کانادا و طرح‌های مقابله‌ای با این چالش‌ها ذکر دو نکته ضروری است:

یکی این‌که کانادا از اقوام گوناگون تشکیل شده است و این بافت قومی مختلط، منشأ بروز چالش‌های گوناگونی در میان اقوام مختلف شده است و می‌شود، مثلاً در یک تقسیم‌بندی کلی،

به عنوان «نقش‌های زن در جامعه» تلقی می‌شوند و این نقش‌های کلیشه‌ای نیز به طور ناخودآگاه به بچه‌ها آموزش داده می‌شوند؛ حتی قبل از این‌که وارد دبستان شوند. آموزش، در کلاس فرصت‌های یکسانی را در اختیار زنان نمی‌گذارد. این امر موجب می‌شود که آن‌ها در جامعه نیز حتی فرصت‌های کمتری برای پویایی داشته باشند.

گروه دیگری که در کانادا نقش کلیشه‌ای (از پیش تعیین شده) دارند، اقلیت‌های نژادی هستند؛ به ویژه اقوام موسوم به ملت‌های اولیه‌ی کانادا. اقلیت‌های قومی (نژادی) مزبور پیشاپیش نوعاً وابسته به طبقه‌ی پایین جامعه هستند و این بواسطه‌ی پیشینه‌ی آن‌ها با اروپایی‌هایی است که از ابتدا در کانادا ساکن بودند. آن‌ها جزو اقلیت‌ها هستند و این امر آن‌ها را در محیط آموزشی، آماج تفکرات نژادپرستانه، کلیشه‌ای و قشری می‌سازد. نظام آموزشی هم به جای فراهم کردن زمینه‌ی پویایی برای کودکان بومی، آن‌ها را بین دو فرهنگ سرگردان می‌سازد. در چنین نظامی، از این کودکان انتظار می‌رود که در فرهنگ‌های دیگر جذب و ادغام شوند تا بتوانند، در جامعه به منزلت بالاتری دست یابند.

نظام آموزشی کانادا

در کانادا، آموزش و پرورش در اختیار استان‌هاست. بدین معنا که هر استانی برای خودش نظام آموزش و پرورش خاصی دارد که با نظام سایر استان‌ها اندکی متفاوت است. گذشته از تفاوت بین نظام استان‌های مختلف، همه‌ی استان‌ها دارای سه دوره‌ی آموزشی هستند که عبارتند از: ابتدایی، دبیرستان و فوق دبیرستان. زبان آموزشی در مؤسسات آموزشی کانادا زبان انگلیسی، فرانسه و یا هر دوست. محصلان/دانشجویان خارجی تشویق می‌شوند که درخواست ثبت‌نام خود را در مؤسسات آموزشی، زودتر ارائه دهند. آن‌هایی که می‌خواهند تحصیلات خود را در ماه سپتامبر شروع کنند، باید تا ماه آوریل همان سال ثبت‌نام کنند، و آن‌هایی که می‌خواهند درس خود را در ترم دوم (درماه ژانویه یا فوریه) شروع کنند، باید تا سپتامبر سال قبل ثبت‌نام کرده باشند.

دوره‌ی ابتدایی

این دوره معمولاً از کلاس اول شروع می‌شود و بسته به این‌که کدام استان را برای تحصیل انتخاب کرده باشید، تا کلاس ۸ یا ۹ طول می‌کشد. ترم تحصیلی دبستان معمولاً از سپتامبر تا ژوئن ادامه دارد. معمولاً تعطیلات ترمی مدرسه، هنگام کریسمس (سپتامبر) و بهار (مارس یا آوریل) است. دانش‌آموزان پس از پایان دبستان وارد دبیرستان می‌شوند. در کانادا هر دو نوع دبستان دولتی و خصوصی وجود دارد.



می توان جمعیت این کشور را به دو دسته اقوام بومی و اقوام مهاجر تقسیم کرد. این دو دسته، علاوه بر این که با چالش های عمومی شغلی و حرفه ای دست به گریبان هستند، هر کدام مشکلات خاص خودشان را نیز در این خصوص دارند و طبعاً راهکارها و طرح های راهنمایی و مشاوره ای خاص خودشان را می طلبند (برای مثال مراجعه شود به مقاله ی . (Wes Gardarou)

نکته ی دوم به ماهیت نظام آموزشی کانادا مربوط می شود. با توجه به غیر متمرکز بودن یک نظام آموزشی مذکور، طبیعی است که در ایالت های متفاوت و حتی درون یک ایالت، با طرح های متفاوت راهنمایی و مشاوره ی شغلی و حرفه ای مواجه باشیم. در این بخش، ابتدا به بعضی چالش های جاری در زمینه ی اشتغال که دانش آموزان و مشاوران شغلی در کانادا با آن ها دست به گریبان هستند، اشاره خواهیم کرد. سپس به بعضی طرح هایی که برای مقابله با این چالش ها تدوین شده اند و مراحل اجرایی آزمایشی خود را سپری می کنند، اشاره خواهیم کرد.

الف) چالش های جاری

ادبیات مربوط به چالش های جاری در فرایند راهنمایی و مشاوره ی شغلی و حرفه ای در کانادا که در جریان این تحقیق به آن ها دسترسی حاصل شد را می توان به دو طبقه تقسیم کرد: دسته ی اول به چالش هایی بومی محدود که منشأ آن ها عمدتاً با گامی اکثر دانش آموزان از شرایط، مقتضیات و وضعیت کمی و کیفی مشاغل در این کشور است؛ آیا دانش آموزان می دانند که در کانادا بیش از پنج میلیون شغل عمومی وجود دارد؟ آیا آن ها از تنوع و چالش های عظیم این فرصت های شغلی باخبرند؟ این که حقوق های سالانه ممکن است بیش از یکصد هزار دلار باشد؟ این که مزایای بازنشستگی، درمانی و سایر مزایای شغلی، از جمله بهترین مزایای موجود هستند؟ این که داشتن دیپلم دبیرستان برای اکثرین مشاغل الزامی است؟ این که برای بسیاری از مشاغل دیگر، مدرک فراغت از تحصیل دوره های دو یا چهار ساله ی کالج نیاز است؟ آیا آن ها تا کنون شغلی را در حیطه ی مشاغل عمومی در نظر گرفته اند؟

و اما چالش های دسته ی دوم چنان که گفته شد، به مسائل انگیزشی مربوط می شوند. توجه مشاوران به تقویت انگیزه ی دانش آموزان و انواع انگیزه های مورد نظر ضروری است. تخمین زده می شود که بیش از یک سوم دانش آموزان دبیرستان های کانادا ترک تحصیل خواهند کرد (استخدام و مهاجرت در کانادا، ۱۹۹۰). این پدیده واقعه ای ویرانگر است، مخصوصاً اگر توجه کنیم که دو سوم مشاغل جدیدی که از این تاریخ (۱۹۹۵) تا سال ۲۰۰۰ ایجاد می شوند، مستلزم داشتن تحصیلات بالاتر از دبیرستان هستند (استخدام و مهاجرت در کانادا، ۱۹۸۹). یکی از چالش های بسیار

مهمی که پیش روی متخصصان توسعه ی مشاغل (مشاوران شغلی) قرار دارد، یافتن راهی برای ایجاد انگیزه در این جمعیت عظیم جوان در معرض خطر است تا آن ها:

الف) به تحصیلات خود تا پایان دبیرستان و پس از آن ادامه دهند؛

ب) نسبت به کسب شغلی برای خود، احساس مسئولیت کنند و به اقدام عملی دست زنند.

ظهور فناوری چند رسانه ای رایانه ای می تواند، تأثیر زیادی بر مسائل شغلی داشته باشد.

این فناوری مخصوصاً می تواند بر جوانان در معرض خطر، یعنی همان جمعیتی که انگیزه ی فوق العاده کمی برای استفاده از متون چاپی دارند، مؤثر باشد.

ب) طرح های مقابله با چالش ها طرح اول

این طرح که ابتدا در سال ۱۹۹۲ در منطقه ی چپتر جنوب ایالت کالیفرنیا آمریکا تدوین شد و در سال ۱۹۹۳ به صورت آزمایشی به مرحله ی اجرا درآمد، برای کل آمریکا و کانادا، به علت مشابهت های مسائل شغلی آن ها، مناسب است. در اجرای طرح، به منظور بررسی موضوعات مطروحه در نوع اول چالش ها، کمیته ای در چپتر بر آن شد تا دانش آموزان دختر و پسر را در جریان مشاغل عمومی بگذارد. در تابستان سال ۱۹۹۲، کمیته ی اجرایی چپتر یک گروه ضربت (گروه کاری) تشکیل داد که موظف بود، طرح راهنمایی شغلی مشاغل عمومی را برای عرضه به دبیرستان های آن منطقه، تدوین کند.

یک فیلم ویدئویی سی دقیقه ای تحت عنوان «مشاغل عمومی - فرصت سازنده» تولید شد تا دانش آموزان را با انواع گوناگون انتخاب های شغلی که در زمینه ی مشاغل عمومی وجود داشت، آشنا سازد. این فیلم میزان تحصیلات و کارآموزی لازم برای بسیاری از این فرصت های شغلی را نیز توضیح می دهد. گروه ضربت مذکور اهداف زیر را برای طرح فوق تعیین کرد:

۱. معرفی حیطه ی مشاغل عمومی به دانش آموزان؛
 ۲. فراهم کردن تجارب واقعی (ارتباط مستقیم) با شاغلین در مشاغل عمومی؛
 ۳. کمک به برنامه ریزی شغلی و تعیین هدف آموزشی یا تحصیلی؛
 ۴. اطلاع رسانی درخصوص انتخاب کالج و کمک های مالی؛
 ۵. پیدا کردن فرصت های کارآموزی تابستانی برای دانش آموزان و فرصت های استخدامی برای فارغ التحصیلان.
- در جلسه ی مقدماتی دبیرستان، کارشناسان مشاغل عمومی (مشاورین شغلی) تجارب خود را در زمینه ی مشاغل با دانش آموزان



تکمیل کند. در این پرونده، از هويت، علاقه‌های آکادمیک، سازگرمی‌ها و استعدادهای خود را مشخص می‌سازد. سپس به دانش‌آموزان اطلاعات مفصلی در مورد بورسیه‌ها، بورسیه‌ها، و وام‌هایی که متعلق به شرایط آن‌ها است داده می‌شود. حداقل ۱۵ فرصت در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد که به‌طور این فرصت‌ها دارای بیش از ۳۰ امکان هستند.

در پایان هر سال تحصیلی، دانش‌آموزانی که در این طرح شرکت می‌کنند، گواهی‌هایی با موفقیت‌های آنها می‌شود. این گواهی‌نامه را هماهنگ با گواهی‌نامه‌های مدرسه ارائه می‌کنند.

طرح دوم

دومین طرح، برای مطالعه و به‌کارگیری دانش‌آموزانی که ناظر بر شیوه‌ی ایجاد انگیزه برای دانش‌آموزان در معرض خطر ترک تحصیل است، تدوین شده است. هدف این طرح، هدایت و هدایت این افراد به ادامه‌ی تحصیل و مسئولیت‌پذیری در قبال تحصیل و به‌کارگیری برای خودشان است. هم‌چنین گفته شد که برای دانش‌آموزانی که در این طرح شرکت می‌کنند، برای ایجاد انگیزه و به‌کارگیری در این زمینه، برنامه‌های حرفه‌ای و مهارتی که در حال حاضر به عنوان طرحی برای ارائه‌ی خدمات به دانش‌آموزان در نظر ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان به‌کار می‌رود، به‌کارگیری را به خود جلب کرده است، می‌توان از طرح «K-12» نام برد. آر. ای برادشاو (۱۹۹۵)، در این زمینه، به‌کارگیری استناد به نتیجه‌ی آزمون‌های مقدماتی می‌گوید که این طرح می‌تواند، انگیزه‌ی فوق‌الذکر را تقویت کند و اطلاعات و مهارت‌های لازم برای تصمیم‌گیری حرفه‌ای، مصاحبه‌های اطلاعاتی، و برنامه‌ریزی حرفه‌ای را به جوانان بدهد.

کایاک بر «تئوری تغییر استنادی» و «وایتز» (۱۹۸۴) و تئوری خودسودفردی «پالندورا» (۱۹۸۲) استوار است. در این طرح، صحنه‌های ویدیویی مهارت‌های حرفه‌یابی، از قبیل مصاحبه‌های اطلاعاتی، ملاقات با افرادی که آشنا شدن با آن‌ها سودمند است، رایزنی و کمک‌طلبیدن در زمینه‌ی ناتوانی‌های یادگیری، مدل‌سازی می‌شوند. موضوعات مورد علاقه‌ای چون دروس ریاضیات و علوم، نقش زنان در فناوری، تجارت، مناصب مدیریتی، و نمایندگی اقلیت‌ها نیز، در همه‌ی موارد بالا مورد توجه قرار می‌گیرند. سواد این طرح علاوه بر دیسک‌های ویدیویی، دیسک‌های سی‌دی رام، و دیسک‌های زبانه‌ای، شامل «راهنامه‌ی تسهیل‌کننده»^{۱۱} و کتابچه‌ی تمرین شرکت‌کنندگان^{۱۲}، با ۳۲ ساعت فعالیت‌های کلاسی و کارگاهی، یک دفترچه تحقیق و توسعه، و «راهنامه‌ی تسهیل‌کننده برای برگردان صحنه»^{۱۳} نیز می‌شود. طرح

درمیان می‌گذارند، اهداف طرح توضیح داده می‌شود و فیلم ویدیویی «فرصت‌های سازنده» به نمایش درمی‌آید.

به نظر می‌رسد سال دوم دبیرستان بهترین زمان برای شروع اجرای طرح راهنمایی شغلی فوق است. بعد از جلسه‌ی مقدماتی، به دانش‌آموزانی که علاقه‌مند به شرکت در طرح هستند، نامه‌ی خوشامد و اطلاعاتی درباره‌ی انتخاب‌های شغلی در یک اداره‌ی مشاغل عمومی معمولی داده می‌شود. هم‌چنین از دانش‌آموزان خواسته می‌شود، فهرستی از مشاغل مورد نظر خود را تهیه کنند. در جلسه‌ی دوم، دانش‌آموزانی که دارای علاقه‌های مشابه هستند، گروه‌بندی می‌شوند تا زیر نظر کارشناسان مشاغل عمومی، در بحث‌های میزگردی شرکت کنند. این گروه‌ها معمولاً شامل گروه‌های مهندسی علوم رایانه‌ای، ساختمان و مدیریت می‌شوند. دانش‌آموزان به‌طور فعال در این بحث‌ها شرکت می‌کنند. برای آشنایی دانش‌آموزان با عملیات مشاغل عمومی، گردش‌های علمی به مقصد محل مشاغل مذکور، از قبیل فرودگاه‌ها، بنادر، کارگاه‌ها، سیستم‌های ترانزیت، محل‌های عملیات نگه‌داری، کارخانه‌های تصفیه‌ی آب و فاضلاب، محل‌های اجرای پروژه‌های ساختمانی، اداره‌های مهندسی مشاوره و اداره‌های شهرداری تدارک دیده می‌شود.

در سال سوم دبیرستان، دانش‌آموزانی که پس از اخذ دیپلم قصد ادامه‌ی تحصیل دارند، با مرحله‌ی «انتخاب کالج» طرح آشنا می‌شوند. در این مرحله، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود، محل، موقعیت کالج، تعداد دانشجویان، هزینه، رشته‌های تخصصی و غیره را که مورد علاقه‌ی آن‌هاست، در نظر بگیرند. فهرستی از کالج‌ها یا مراکز آموزشی شغلی^{۱۴} دو یا چهار ساله که متناسب با معیارهای مورد نیاز آن‌ها باشد، تهیه می‌شود. اطلاعات مربوط به این کالج‌ها یا مراکز و مقایسه‌ی آن‌ها نیز ارائه می‌شود.

می‌توان برای هر دانش‌آموزی، نامه‌های کاوشگری یا تحقیقی خطاب به هر کالج یا مرکزی در کشور صادر کرد. این نامه خطاب به مسئول پذیرش نوشته می‌شود. اطلاعات مربوط به دانش‌آموز، از جمله معدل، نمرات آزمون استعداد تحصیلی، علاقه‌های آکادمیک، فعالیت‌ها و نظرات شخصی، در این نامه گنجانده می‌شود. دانش‌آموز هم‌چنین می‌تواند تا پنج قلم از خواسته‌های خود از قبیل کاتالوگ، فرم تقاضای پذیرش، اطلاعات مربوط به کمک‌های مالی و غیره را از مرکز مورد نظرش درخواست کند. ضمناً برای هر کالج یا مرکزی، «چک لیست پذیرش» تهیه می‌شود.

در اوایل سال آخر دبیرستان، دانش‌آموزانی که قصد دارند بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دبیرستان تحصیلات خود را ادامه دهند، با مرحله‌ی «کمک‌های مالی» طرح آشنا می‌شوند. از هر دانش‌آموز خواسته می‌شود، یک «پرونده‌ی کمک‌های مالی» در مورد خودش

موردنظر، با رایانه‌های PS، IBM و 486 Dos-based ISA عمل می‌کند.

در طرح کایاک، دانش‌آموزان از بین دو شخصیت اصلی (که سن آن‌ها بین ۱۷ تا ۲۸ سال است)، یکی را از طریق لمس کردن چهره‌ی او روی صفحه‌ی نمایش رایانه انتخاب می‌کنند (می‌توان این کار را با استفاده از ماوس انجام داد، اما دانش‌آموزان در معرض خطر ترک تحصیل، همان فناوری لمس کردن صفحه‌ی نمایش رایانه را ترجیح می‌دهند). یکی از این دو شخصیت، مرد جوانی است که ترک تحصیل کرده و اکنون به عنوان سرایدار مشغول کار است. شخصیت دیگر، خانم جوانی (دو رگه سیاه/سفید) است که در مدرسه مشکلات یادگیری دارد و به صورت پاره‌وقت و به عنوان پیشخدمت کار می‌کند. دو شخصیت مذکور و جهت‌گیری آتی طرح، طی یک صحنه‌ی دزدی (همراه با موزیک راک) معرفی می‌شوند. صحنه‌ی بعدی، مکالمه‌ای است بین شخصیت انتخاب شده و آینده‌اش.

نتایج تحقیقات نشان داده است که جوانان در معرض خطر ترک تحصیل، این روش را خیلی بیشتر از روش استاندارد و اندرزگویی والدین/معلمین/مشاورین/متخصصین حرفه‌ای ترجیح می‌دهند. این قبیل مکالمات چند بار در جریان طرح تکرار می‌شوند. در انتهای هر صحنه، دو تصمیم‌گیری وجود دارد که به وسیله‌ی تصاویر گرافیکی انیمیشن نشان داده می‌شوند. کاربران برای این که انتخاب خودشان را به عمل آورند، صحنه را لمس می‌کنند (یا ماوس را کلیک می‌کنند) و رایانه صحنه‌ی «نتیجه»^{۱۵} را به نمایش می‌گذارد که بسیاری از آن‌ها دارای تأخیرهای زمانی هستند (مثلاً ۱/۵ سال بعد). در بعضی موارد، رایانه صحنه‌های نتیجه را براساس احتمالات برمی‌گزیند؛ این امکان برنامه را قادر می‌سازد، با زندگی واقعی سازگارتر باشد، زیرا هر تصمیم معین ممکن است نتایج گوناگونی در پی داشته باشد.

در جریان صحنه‌ها، عمل^{۱۶} در نقاط حساس «منجمد»^{۱۷} می‌شود و «بالن‌های فکری»^{۱۸} گرافیکی کوچکی روی صحنه ظاهر می‌شوند. هدف از استفاده از بالن‌های مذکور این است که:

الف) کاربر با شخصیت‌های حاضر در صحنه‌ها همانندسازی کند؛

ب) عقاید و نگرش‌های بی‌خاصیت به نمایش گذاشته شوند؛
ج) عقاید و نگرش‌های حرفه‌ای مفید و مؤثر مدل‌سازی شوند.
اگر کاربران این بالن‌های فکری را حداکثر دو ثانیه پس از ظاهر شدن لمس کنند (یا روی آن‌ها کلیک کنند)، آنچه را که شخصیت موردنظر می‌اندیشد، می‌شنوند. وگرنه، بالن محو می‌شود و فیلم ادامه پیدا می‌کند. به این طریق، کاربران به صورت فعال در پی اطلاعات بالن‌های فکری هستند، در انتظار اطلاعات آن‌ها به سر

می‌برند و به آن‌ها توجه می‌کنند. همین اصل را می‌توان بر همه‌ی تصمیم‌های متوالی شخصیت‌ها که کاربران نتیجه‌ی تصمیم‌های خود را در آن‌ها می‌جویند، اعمال کرد. در نتیجه‌ی این فرایند، کاربران هنگام ارائه‌ی اطلاعات یا مدل‌سازی مهارت‌ها، هشایتر می‌شوند. تقریباً ۲/۵ ساعت وقت تعامل برای اخذ تصمیمات متوالی شخصیت اصلی در اختیار است؛ اگرچه کاربران می‌توانند، تعامل آن‌ها را هر وقت بخواهند قطع، و آن را در فرصت دیگری دنبال کنند. به علاوه، ۳۲ ساعت فعالیت کلاسی (کارگاهی)، امکان بیشتری برای استفاده از مهارت‌ها، اطلاعات و نگرش‌های شخصی عرضه شده در صحنه‌های فیلم فراهم می‌کند. برنامه‌ی مذکور شامل هفت بخش دیگر نیز می‌شود:

* چه کسانی برنامه را تهیه کرده‌اند: مصاحبه‌های اطلاعاتی با ۴۴ نفر از کسانی که با استفاده از حرفه‌های خود، برنامه‌ی کایاک را طراحی کرده‌اند. این باعث تقویت اصول مطرح شده در صحنه‌های فیلم می‌شود.

* چه فکر می‌کنید: تغییر هدف صحنه‌های فیلم با استفاده از پرسش‌های چندگزینه‌ای برای پیشبرد نقادانه.

* مفاهیم: به تسهیل‌کنندگان امکان می‌دهد که براساس مفاهیم ارائه شده، صحنه‌ها را انتخاب کنند.

* دست‌رسی: به مدیران برنامه امکان می‌دهد، بر الگوهای کاربران نظارت کنند. (کدام شخصیت‌ها، یا تصمیم‌ها یا گزینه‌های برنامه بیشتر از همه انتخاب می‌شوند؟)

* اطلاعات: مدیران سایت می‌توانند، منابع محلی و ارتباطات را، برای ۱۶ سرویس حرفه‌ای و پشتیبانی تأمین کنند.

* دستورالعمل‌ها: یک «روش کاوشگری» که به کاربران امکان می‌دهد، آنچه را که می‌خواهند بدانند، «لمس کنند» (یا کلیک کنند).

* برگردان: به تسهیل‌کنندگان امکان می‌دهد، از یک فهرست طوماری، صحنه‌های خاصی را منطبق با شخصیت انتخاب کنند.

زیرنویس
1. Canada's first Nations/ 2. Poor Schools/ 3. School finder/ 4. Public Works Jobs/ 5. Vocational Schools/ 6. inquiry letters/ 7. Knowledge for Youth about Careers/ 8. attribution change theory/ 9. weiner/ 10. self-efficacy/ 11. Bondura/ 12. facilitator manual/ 13. participant workbook/ 14. facilitator Guide to scene playback/ 15. outcome/ 16. action/ 17. freeze

منابع
1. Bradshaw, Richard A. (1995). Delivery of Career Counseling Services: Videod & Multimedia Career Interventions: ERIC Digest.
2. Courts, Herbert T. (2000). Library Guides-Vocational Guidance/ Job search.
3. Darou, wes G. (1999). Vocational Counseling andfirst Nations. Canadian International Development Agency, Hull, Quebec.
4. Hensel, Monica. (1999). Profile of School Counseling Major.